

اصفهان



۱۶-۲۱ مهر ۱۴۰۰

8-13 Oct. 2021
Isfahan .Iran

۳

پروانه ها خیال

ویژه نامه سی و چهارمین جشنواره بین المللی فیلم های کودکان و نوجوانان

۱۸ مهرماه ۱۴۰۰

رئیس مرکز پژوهش های شورای اسلامی شهر اصفهان تصریح کرد:

امکان دسترسی همه کودکان به جشنواره کودک با برگزاری مجازی آن

نوجوانی فرصت طلایی زیستن

تأثیر برگزاری جشنواره فیلم های کودکان و نوجوانان بر عزت نفس فرزندان ایران

شمال به جنوب

یادداشتی بر فیلم «پسران دریا»

دانشوران

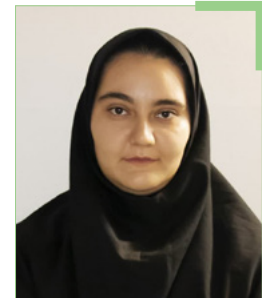
گزارش روز دوم جشنواره

حافظ سینما ساحل اصفهان، با حضور خبرنگاران و اهالی رسانه برگزار شد. در این نشست، بازیگران این فیلم از جمله سجاد رضایی، زهرا فدایی و وحید پاکزاد، به همراه تهیه‌کننده و کارگردان به سؤالات خبرنگاران و اهالی رسانه پاسخ دادند. وحید پاکزاد در این نشست از حساسیت خود برای انتخاب بازیگران و استفاده از لهجه اصفهانی خبر داد. او در ادامه، از شرایط سخت و ناامیدکننده فعلی برای فیلم‌سازان و کارگردانان ایرانی به‌ویژه اصفهانی سخن گفت.

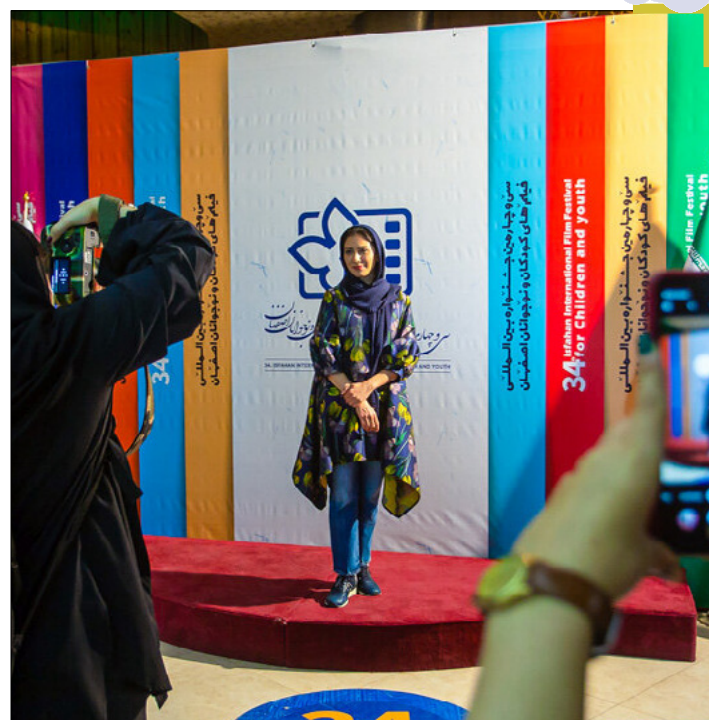
در روز سوم جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان، بخش ویژه نابینایان، ناشنویان و معلولین با نمایش دو فیلم «خبرنگار» به کارگردانی ابراهیم فروزش و «یکی بود، یکی نبود» به کارگردانی مرضیه منصوری آغاز به کار کرد. این بخش به‌تازگی به جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اضافه شده و از اهمیت بسیاری برخوردار است. با حضور این بخش، جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان با استقبال کم‌نظیر روبه‌رو شد، زیرا این گروه کودکان و نوجوانان تجربه آمدن به سینما و دیدن فیلم منتخب خود را داشتند.

در روز یکشنبه ۱۸ مهرماه ۱۴۰۰، روز سوم سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، افتتاحیه فیلم «پسران دریا» ساخته افشین هاشمی با حضور مونا فرجاد، بازیگر اصلی یکی از اپیزودهای این فیلم، در سینما ساحل اصفهان برگزار شد. در ساعت ۱۶ نیز فیلم با حضور این بازیگر تئاتر و سینمای ایران در سالن زنده‌رود سینما ساحل به روی پرده رفت. در ساعت ۱۸ نشست خبری این فیلم در سالن حافظ سینما ساحل با حضور خبرنگاران برگزار شد. در این نشست مونا فرجاد از روند تولید این فیلم با توجه به شیوع ویروس کرونا و اهمیتی که سینمای کودکان و نوجوانان دارد گفت.

در شامگاه شنبه ۱۷ مهرماه ۱۴۰۰ نشست خبری فیلم «اشکنه» به کارگردانی وحید پاکزاد در سالن



آریانا معتمدیان





سینما برای همه

اکران چهار فیلم برای مخاطبان نابینا و ناشنوا

درسی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان

رؤیا فلاحی (بازیگر و گوینده رادیو) توضیح‌دار شده‌اند. محدثه واعظی‌پور نیز متن روایت‌های این دو فیلم سینمایی را نوشته و بر ضبط آن‌ها نظارت داشته است. فیلم‌های «یدو» به کارگردانی مهدی جعفری و «خبرنگار» به کارگردانی ابراهیم فروزش نیز با صدای محسن بهرامی (بازیگر تئاتر، رادیو و تلویزیون) توضیح‌دار شده‌اند و پژمان تیمورتاش نویسندگی متن روایت‌های این دو فیلم و نظارت بر ضبط آن‌ها را برعهده داشته است.

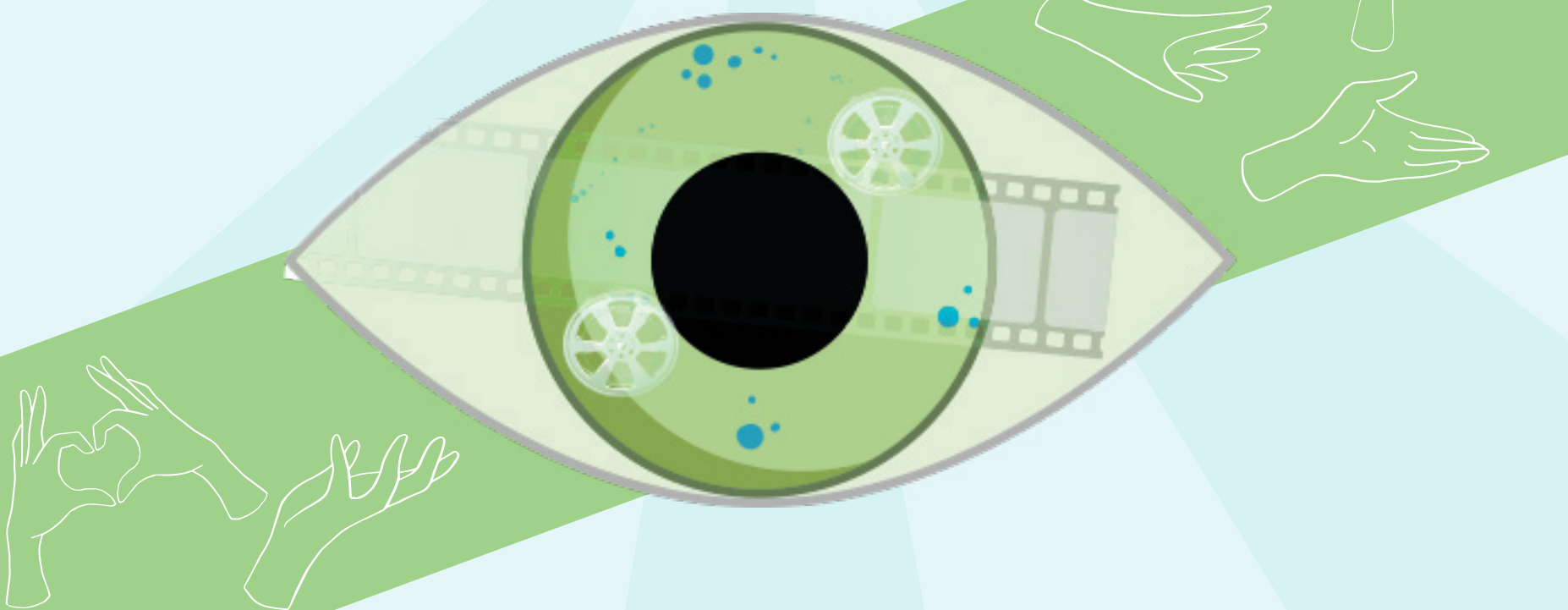
نسخه مناسب‌سازی شده این چهار فیلم در سالن زنده‌رود سینما ساحل اصفهان و سالن شماره ۳ سینما فرهنگ تهران به‌صورت فیزیکی از تاریخ ۱۷ تا ۲۰ مهرماه روی پرده خواهد رفت. دو فیلم خبرنگار و یکی بود یکی نبود، علاوه‌بر اکران در سینما، در پلتفرم‌های «هاشور» و «فیلیمو» نیز پخش خواهند شد.

همزمان با روزهای برگزاری جشنواره، نسخه مناسب‌سازی شده فیلم‌ها برای مخاطبان نابینا و ناشنوا در سالن‌های سینما به نمایش درمی‌آیند. گروه «سوینا» (سینمای ویژه نابینایان) که طی ماه‌های اخیر توانسته فیلم‌های شاخص سینمای ایران و جهان را برای مخاطبان نابینا آماده کند، در دومین سال همکاری خود با جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، نسخه ویژه نابینایان چهار فیلم شرکت‌کننده در جشنواره را توضیح‌دار کرده است. علاوه‌بر آن، در این رویداد فرهنگی، این چهار فیلم به‌صورت دوبله دیالوگ‌های فیلم به زبان اشاره برای ناشنوایان نیز ارائه می‌شوند.



مینا حسن‌زاده

فیلم‌های «بام‌بالا» به کارگردانی سیدجمال سیدحاتمی با صدای نازنین مهمنی (بازیگر و گوینده رادیو) و «یکی بود یکی نبود» به کارگردانی مرضیه منصوری با صدای





زیستن با امواج زندگی

یادداشتی بر فیلم «پسران دریا»

امری عادی بدل شده، ترویج استفاده از آن توسط شخصیت اسکندر توجیه‌شدنی نیست و فیلم از این نظر شایان دقت نظر بیشتری بوده است. در پایان نیز می‌توان گفت پسران دریا از جمله آثاری است که درسی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان به نمایش درآمده، اما نیازمند اعمال محدودیت سنی به ویژه برای نوجوانان است.

آشنا می‌شوند. توجه به خرده فرهنگ‌ها و آداب و رسوم‌های حوالی مناطق شمال و جنوب ایران در بافت مفاهیمی همچون عشق و بروزان، نحوه پوشش، مسائل اقتصادی و... از نکات قابل توجه پسران دریاست. تعمیق شخصیت‌ها و کنش‌های لوچو و منگوش نیز از دیگر موضوعات مورد توجه نویسنده اثر بوده است. با این همه حتی اگر پدیده استعمال دخانیات در جامعه امروز به

پسران دریا ساخته افشین هاشمی و حسین قاسمی جامی را می‌توان آینه‌ای از آداب و رسوم و بافت تاریخی دو سوی ایران دانست. داستان ششمین اثر هاشمی در دو اپیزود در شمال و جنوب ایران به منصفه ظهور رسیده است. لوچو و رکارگ دو نوجوان در دو سمت ایران زمین با دو خرده فرهنگ متفاوت‌ند که از روزهای امن کودکی و خانواده‌ها می‌شوند و با مشقت‌ها و سختی‌های روزهای بزرگسالی



حسین صادقی / منتقد



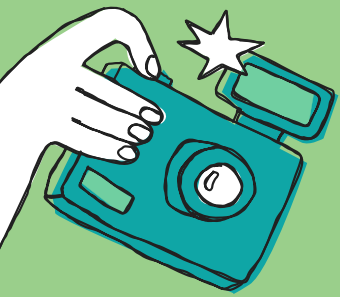


دوربین نوجوان



عکاس نوجوان آوینا امین جواهری

نشست خبری
سی و چهارمین جشنواره
بین المللی فیلم های
کودکان و نوجوانان



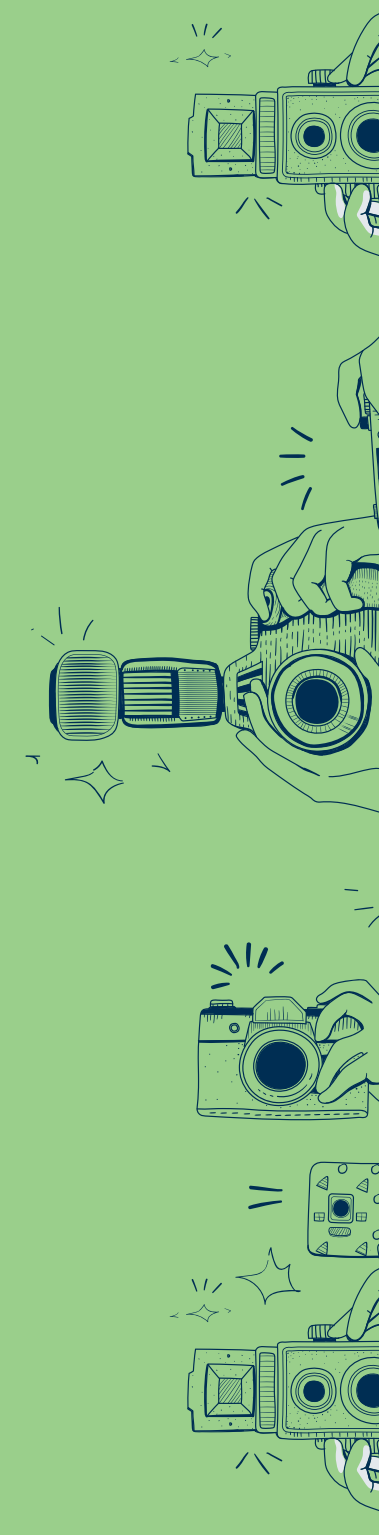
سینما سیار

سینما سیار
سی و چهارمین جشنواره
بین المللی فیلم های
کودکان و نوجوانان به
مناطق کم برخوردار
شهر اصفهان



تماشا

گزارش تصویری روز دوم
سی و چهارمین جشنواره
بین المللی فیلم های
کودکان و نوجوانان





پسر دریا که باشی شمال و جنوب فرقی ندارد

حال و هوای سینمای کودک متناسب می‌سازد. هر دو ایزود در نقطه‌ی درستی به پایان می‌رسد تا ذهن مخاطب را در همان فضای خوب باقی بگذارد. در هر دو ایزود، برای نقش پسران داستان، از افراد درستی استفاده شده، به کارگیری بازیگران محلی مسلط به گویش محلی در فیلم‌های بومی، به جای بازیگرانی که برای ادای بهتر گویش تلاش می‌کنند، فضای بسیار خوبی ایجاد کرده است تا مخاطب بهتر با فضای داستان ارتباط برقرار کند.

با اینکه در بخش‌هایی از فیلم، فهمیدن صحبت‌ها با زبان محلی دشوار است، اما بازیگران از طریق میمیک و زبان بدنشان منظور خود را به خوبی منتقل می‌کنند.

«پسران دریا»، به کارگردانی افشین هاشمی و حسین قاسمی جامی، روایتی است از نوجوانانی باهوش و جسور، در جغرافیایی متفاوت که برای هدفی مشترک تلاش می‌کنند. شاید مهم‌ترین ویژگی فیلم پسران دریا این باشد که دو داستان جدا را در یک قاب به تصویر می‌کشد و میان آن‌ها رابطه‌ی معنایی برقرار می‌کند؛ چیزی که کمتر در دنیای سینمای نوجوان دیده می‌شود.

کنار هم قرار دادن دو نقطه‌ی جغرافیایی شمال و جنوب با دو فرهنگ متفاوت، اما فکرها و رفتارهای کودکانه‌ی مشترک، کار هوشمندانه‌ای است که فیلم‌نامه‌نویس پسران دریا به خوبی از پس آن برآمده است. وجود سکانس‌های غمگین و طنز زیرکانه، داستان فیلم را با



ریحانه هاشمی / خبرنگار نوجوان



مونا فرجاد در نشست خبری فیلم «پسران دریا»:

کرونا قدرت ریسک‌پذیری برای سرمایه‌گذاری در سینمای کودک را گاهش داده است

این بازیگر در پاسخ به پرسش دیگری درباره سابقه بازیگری چند نفر از بازیگرهای فیلم گفت: در استان دوم فقط من و آقای پیام امیرعبدالهیان سابقه کار حرفه‌ای داشتیم و بقیه بازیگران از بومی‌های همان منطقه بودند. برای بازیگران کودک، با تست‌های محله‌محور، بچه‌هایی که به لهجه مسلط بودند انتخاب شدند.

وی افزود: تجربه کار با بازیگر خردسال مثل ترلان پروانه، ایسان حدادی، مانیا علیجانی و... را نیز پیش از این داشتم. کودکان این نسل بچه‌هایی آگاه و باهوش‌اند و خیلی زود همه چیز را یاد می‌گیرند.

فرجاد در ادامه با اشاره به تعریف کودک و سینمای کودک گفت: به دلیل شرایط ناشی از کرونا در این دو سال تعداد ساخت فیلم‌های سینمایی بسیار کم شده و کم بودن گردش مالی در سینمای بزرگسال به کارگردانان و تهیه‌کننده‌ها اجازه خطر در زمینه ساخت فیلم کودک را نمی‌دهد.

این بازیگر ادامه داد: سینماها و تئاتر، همچون دیگر مشاغل دیگر، به کمک برای حیات مجدد نیاز دارد و اهالی سینما و تئاتر تحت فشارند. سینمای کودک به حیات فعالیت‌های فرهنگی و هنری کمک خواهد کرد و بی‌شک نیاز به حمایت دارد.

خوشبختانه من می‌توانم لهجه‌ها را سریع یاد بگیرم. به خاطر دارم که در شهر میناب، بسیار سریع و تقریباً در نصف روز لهجه را یاد گرفتم. بعد از آن بیشتر گوش می‌دادم و تمرین می‌کردم تا اعراب‌گذاری را بهتر انجام دهم و خیلی زود به آن مسلط شدم، به‌گونه‌ای که برخی محلی‌ها تشخیص نمی‌دادند که از اهالی این شهر نیستم.

مونا فرجاد در پاسخ به پرسشی درباره قابل‌فهم نبودن لهجه بازیگران فیلم، به‌خصوص در اپیزود دوم، برای مخاطب اصلی یعنی کودک و نوجوانانی که با زبان و گویش مینابی و جنوبی آشنا نیستند و سختی درک برخی از دیالوگ‌ها گفت: اتفاقاً در فرایند تولید هم در این باره و استفاده از زیرنویس صحبت شد، اما اگر زیرنویس در فیلم گذاشته شود، توجه بیننده یا مخاطب فیلم برای دقت به کلمه به کلمه زیرنویس از فیلم دزدیده می‌شود و طبیعتاً قسمتی از اتفاقی را که در تصویر در حال رخ دادن است از دست می‌دهد.

وی ادامه داد: اگر دیدگاه کلی‌تری درباره آنچه در حال اتفاق است داشته باشیم، داستان و دیالوگ‌ها تا حد زیادی مفهوم و قابل درک است و نیازی نیست مخاطب الزاماً همه کلمات را متوجه شود.

نشست خبری فیلم «پسران دریا»، به کارگردانی افشین هاشمی و حسین قاسمی جامی، در دومین روز از سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، پس از اولین اکران



سپهرنجاری / خبرنگار نوجوان

این فیلم در اصفهان برگزار شد.

پسران دریا از معدود فیلم‌های موجود در حوزه نوجوان است که روایت آن در دو اپیزود ارائه می‌شود. این فیلم روایتی از دو قصه مستقل در دو نقطه جغرافیایی متفاوت است. در این نشست، مونا فرجاد، تنها میهمان و نماینده فیلم پسران دریا، پاسخگوی سؤالات خبرنگاران بود. این بازیگر که در اپیزود دوم فیلم پسران دریا نقش آفرینی می‌کند، با اشاره به لهجه خاص خود در این فیلم گفت:





نوجوانی فرصت طلایی زیستن

تأثیر برگزاری جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان بر عزت نفس فرزندان ایران

نوجوانی از دوران مهم و تأثیرگذار زندگی افراد محسوب می‌شود. این دوران گذار از کودکی به بزرگسالی با تغییرات فیزیکی و روانی متعددی همراه است. عزت نفس نوجوان یکی از تغییراتی است که دستاورد پدیده بلوغ در این دوران است. عزت نفس یکی از فاکتورهای مهم بهداشت روانی در افراد جامعه محسوب می‌شود که کمبود آن در زندگی فردی و اجتماعی، اثراتی منفی را در روابط اجتماعی-خانوادگی، اشتغال و طول عمر افراد بر جای می‌گذارد و از آنجا که شخصیت افراد در دوران کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرد، توجه به این موضوع در نوجوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

تجربه‌آموزی است که می‌توان به قرار گرفتن در کنار بزرگان این رشته، ارتباط با همسالان و محک زدن توانایی‌ها و استعدادهایشان اشاره کرد. تقویت مهارت‌های کلامی و ارتباطی، تحمل شنیدن انتقاد و یادگیری تفکر انتقادی، تمرین مسئولیت‌پذیری از جمله مهارت‌هایی است که نوجوانان در این جشنواره تمرین می‌کنند. البته جا دارد میزان مشارکت نوجوانان بیشتر شود و بخش‌های دیگری چون گپ و گفت درباره دغدغه‌هایشان و تعامل با سازندگان اثر بیشتر مورد توجه قرار بگیرد.

در بخش محتوایی، سال‌هاست که شاهد توجه فیلم‌سازان به دغدغه‌های نوجوانان هستیم؛ دوران پرفرازونشیبی که نیاز به چراغ راه دارد و چه روشنایی بهتر از سینما. از آثار خیال‌انگیز تیم برتون مانند «آلیس در سرزمین عجایب»، «چارلی و کارخانه شکلات»، «خانه دوشیزه پرگین برای بچه‌ها» تا پرداختن به دنیای کودکان و نوجوانان با نیازهای خاص در فیلم «شگفتی» اثر استیون شباسکی و بررسی درونی‌ترین دغدغه‌های ذهنی در فیلم «هیولایی صدا می‌زند» اثر خوان آنتونیو بایونا، این رویکرد و دغدغه‌مندی دیده می‌شود.

در سینمای ایران هم نمونه‌های بسیار خوبی وجود دارد؛ مانند فیلم «پدر آن دیگری» که به موضوع مهم لالی انتخابی می‌پردازد و یا فیلم «۱۳» که به خوبی بحران دوران نوجوانی را مورد توجه قرار داده است. با تمام نقاط مثبت و موارد قابل تأمل جشنواره، این رویداد جزو مهم‌ترین اتفاقات مخصوص نوجوانان است که امکان حضور و فعالیت آن‌ها را فراهم می‌کند و کمک می‌کند تا دریچه‌ای رو به دنیای بزرگسالی و تعاملات اجتماعی بگشایند. امیدواریم در سال‌های پیش‌رو، شاهد برنامه‌های متنوع و بیشتری در این حوزه باشیم.

منابع، علایق و جهت‌های خویش؛ به این ترتیب فردی که منابع خود را می‌شناسد و به آن‌ها توجه دارد، فرصت‌ها را غنیمت خواهد شمرد و از آن‌ها استفاده خواهد کرد. ۲- مؤثر بودن و احساس رضایتمندی در روابط میان‌فردی؛ به این ترتیب نوجوانی که یاد می‌گیرد چگونه به نحو مؤثر با دیگران رابطه برقرار کند، توانایی زیادی خواهد داشت که در طول زندگی، نیازهای فردی و اجتماعی‌اش را برآورده کند. نوجوانی که اعتماد به نفس دارد بهتر می‌تواند راه‌های گوناگون را بسنجد و مناسب‌ترین آن‌ها را برای دوره بزرگسالی برگزیند. نوجوانی که احساس می‌کند با کفایت و ارزشمند است، میل دارد پای به میدان عمل بگذارد و بیاموزد که چگونه به نحو مؤثر و مفیدی از وقتش استفاده کند.

عزت نفس و خودباوری از کودکی، توسط والدین و جامعه شکل می‌گیرد؛ مثلاً اگر کودکی در محیطی پر از ترس بزرگ شود، یاد می‌گیرد که بترسد یا اگر در محیطی پر از تشویق بزرگ شود، می‌آموزد که اعتماد کند. عزت نفس کودکان بر اساس نوع، نگرش و رفتار دیگران نسبت به او شکل می‌گیرد. یکی از وظایف جامعه پرورش نوجوانانی با عزت نفس بالا و ایجاد فرصت حضور در فعالیت‌های اجتماعی است.

این روزها در شهر ما اصفهان، رویداد خجسته‌ای در حال رخ دادن است که فرصتی مناسب برای کودکان و نوجوانان سراسر ایران به شمار می‌رود، به خصوص که می‌توانیم به صورت آنلاین، شاهد حضور و فعالیت تمامی فرزندان سرزمینمان باشیم. جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان در دو بخش تأثیر عمیقی در تقویت احساس ارزشمندی کودکان و نوجوانان دارد؛ یکی فرصت فعالیت‌های اجتماعی مثل داوری و نقد فیلم و دیگری به‌لحاظ محتوایی. حضور نوجوانان در چنین رویدادهایی فرصت طلایی برای



بهار لاری
روانشناس کودک و نوجوان

نوجوانی که از عزت نفس زیادی برخوردار باشد، می‌آموزد روابط سودبخش‌تری با دیگران برقرار کند. او بهتر از فرصت‌ها استفاده می‌کند، خلاق و خودکفا می‌شود و دیدگاه روشن‌تری درباره مسیر زندگی دارد؛ بنابراین بسیار آسان‌تر وارد دنیای بزرگسالی می‌شود؛ زیرا یاد گرفته که تمام مسئولیت‌های زندگی‌اش را به عهده بگیرد و فرصتی برای پی بردن به هویت شخصی‌اش داشته است.

سایر اثرات عزت نفس که موجب تقویت توانایی‌های فرد برای زندگی آینده‌اش می‌شود عبارتند از: ۱- روشن شدن توانایی‌های فردی،



جشنواره باید یک دبیرخانه دائمی برای توانمندسازی کودکان حاشیه شهر ایجاد کند

جشنواره و کودکان حاشیه شهر در گفت‌وگو با مدیر جمعیت حمایت از کودکان مهر زنده‌رود



سمیه یخچالی، فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی و مدیر جمعیت حمایت از کودکان مهر زنده‌رود است که در قالب این سازمان مردم‌نهاد در زمینه فرهنگ‌سازی و نهادینه‌سازی فرهنگ حقوق کودک و پیشگیری از کودک‌آزاری در محله‌های حاشیه‌ای شهر اصفهان فعالیت می‌کند. از دیگر اهداف و مواردی که در چشم‌انداز این سمن مطرح شده پیشگیری از ترک تحصیل و بازماندگی از تحصیل است. با توجه به برنامه‌های جشنواره گفت‌وگویی با این فعال حوزه کودک انجام شده است تا دغدغه‌ها و صحبت‌های او را بشنویم و بخوانیم.



استفاده ابزاری از
کودکان حاشیه
شهر و کودکان کار
در جشنواره هم
چالش غم‌انگیزی
است

● به نظر شما جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان چگونه می‌تواند در توانمندسازی کودکان حاشیه شهر تأثیرگذار باشد؟

هر اتفاق خوبی در شهر بیفتد در توانمندسازی همه بچه‌های آن شهر مؤثر است؛ با این حال امیدوارم نقش جشنواره در توانمندسازی بچه‌های حاشیه شهر پررنگ‌تر شود. هر قدر بچه‌ها تجارب زیسته مستقیم و غیرمستقیم بیشتری به دست آورند، رشد و شکوفایی آن‌ها بالنده‌تر خواهد بود، به خصوص الان که بسیاری از فعالیت‌های جشنواره به صورت مجازی است و بچه‌های حاشیه شهر هم می‌توانند با کمک سمن‌ها و خیریه‌ها به برنامه‌های مختلف جشنواره دسترسی داشته باشند.

اگر فیلم‌های جشنواره در سالن‌های نزدیک به حاشیه شهر هم اکران شود، کودکان این مناطق شهر نیز می‌توانند به طور مستقیم شاهد این تجربه باشند و نیاز به سینمای سیار نیست. من فکر می‌کنم چون جشنواره یک رویداد عمومی و فراگیر و شناخته‌شده است، می‌تواند برای بچه‌های حاشیه شهر بیشتر از بچه‌های برخوردار مفید باشد، چون تجربه‌ای است که کمتر می‌توانند به آن دسترسی داشته باشند.

● به عنوان یک فعال حوزه کودک چه توقعی از مدیران جشنواره دارید؟

می‌خواهم مدیران و متصدیان جشنواره همه بچه‌ها را در نظر بگیرند و فعالیت‌هایی که برای جشنواره تعریف می‌شود متناسب با توانمندی‌های همه بچه‌های شهر باشد و آن قدر فعالیت‌های متنوع تعریف شود که همه بچه‌ها بتوانند به طور مستقیم در فعالیت‌ها شرکت کنند. به طور مثال، در موضوع فراخوان خبرنگاران نوجوان، بنده طی این سال‌ها کودکان زیادی را معرفی کرده‌ام؛ اما سطح رقابت بالاست و بچه‌هایی که از فن بیان قوی برخوردارند و یا از خانواده‌های تحصیل‌کرده و اهل مطالعه می‌آیند و معمولاً از لحاظ ظاهر و آراستگی موردپسندتر و مطلوب‌ترند پذیرفته می‌شوند و بچه‌های حاشیه شهر وقتی به این جشنواره دعوت می‌شوند، از رقابت بازمی‌مانند. من هر سال به خاطر این اتفاق غمگین می‌شوم. بچه‌های ما شرکت می‌کنند، اما پس زده می‌شوند، نه به این دلیل

به نظرم اگر قرار باشد برنامه‌ای برای بچه‌های حاشیه شهر تدارک ببینند فقط در مدت این جشنواره نباشد. بهتر است مسئولین جشنواره یک ستاد یا دبیرخانه دائمی ایجاد کنند و در طول سال برنامه‌های این یک هفته به شکل کارگاه‌ها، ارتباط با هنرمندان و برنامه‌های دیگر، با تأمل، فرصت و عمق بیشتر ادامه یابد.

● آیا در طی سال‌های گذشته و امسال تعاملی با مدیران جشنواره داشته‌اید؟ تجربه شما از این تعاملات چگونه بوده است؟

من بیش از دوازده سال است که با دوره‌های مختلف برگزاری جشنواره تعامل داشته‌ام و هر سال سعی کرده‌ام از امتیازات مثبت برنامه‌های جشنواره برای بچه‌های حاشیه شهر و کودکان تحت حمایتان استفاده کنم. بزرگ‌ترین چالش من در طی این سال‌ها این بود که اگر آن‌ها امکاناتی هم برای بچه‌های دورتر یا حاشیه شهر در نظر می‌گرفتند یک امکان نصفه و نیمه بود، مثلاً بلیت رایگان بدون سهولت جابه‌جایی، یا زمان‌های سوخته و فیلم‌هایی که تماشاچی زیادی نداشت یا متناسب با سن و سال و جهان‌بینی و علاقه و حوصله بچه‌ها نبود و بچه‌ها عموماً از آن لذت نمی‌بردند. این می‌تواند حتی از ندادن هیچ امتیازی تلخ‌تر باشد.

● اگر یک فیلم‌ساز یا تهیه‌کننده بودید، با توجه به تجربه کار با کودکان چه فیلمی با چه موضوعی می‌ساختید؟

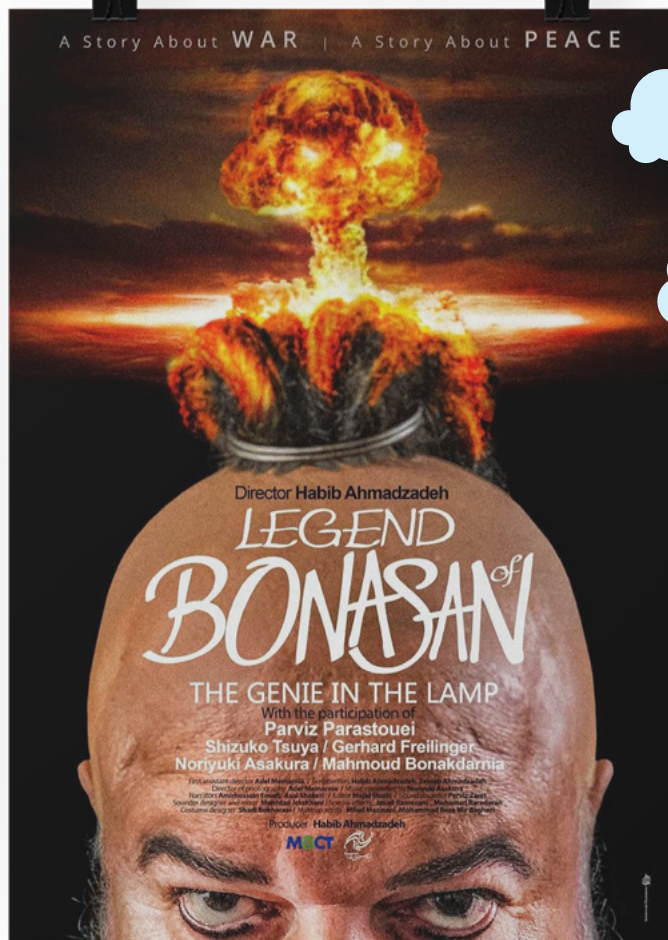
اگر قرار بود من موضوعی را برای ساخت فیلم کودک انتخاب کنم، قطعاً به مهارت‌هایی مثل عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس در کودکان می‌پرداختم، مهارت‌هایی که بچه‌ها را از کودکی توانمند می‌کند.

که آن‌ها خوب نبوده‌اند، بلکه به خاطر اینکه برای آن سطح رقابت، کافی نبوده‌اند. فراخوان جذب خبرنگار نوجوان در جشنواره رقابت عادلانه‌ای نیست و تعریف دقیق و درستی از این فراخوان نشده و متناسب با همه بچه‌های شهر نیست. بنابراین علی‌رغم تلاش جشنواره برای فراگیر شدن و بهره‌مند شدن همه بچه‌ها از این فرایند، باز هم در تعریف برخی فراخوان‌ها دچار بی‌عدالتی و اشتباه می‌شود. برخی برنامه‌های جشنواره مانند کارناوال شادی در حاشیه شهر وجود دارد، اما این برنامه چیزی نیست که بچه‌ها در آن رقابت داشته باشند و صرفاً تماشا است. ما می‌خواهیم جشنواره برنامه‌های رقابتی‌ای داشته باشد که بچه‌های حاشیه شهر هم در حد خودشان در یک رقابت عادلانه بتوانند از آن تجربه برخوردار شوند.

مورد دیگر اینکه اثربخشی برنامه‌های جشنواره بعد از اجرا هیچ‌گاه سنجیده نمی‌شود یا حداقل من در جریان این سنجش نبوده‌ام. به هر حال لازم است بعد از جشنواره در طول سال، برنامه‌های مختلف جشنواره مثل فیلم‌ها یا کارگاه‌ها مرور شود و از بچه‌ها نظرخواهی شود، چون زمان جشنواره محدود است و همه برنامه‌ها بسیار فشرده و شتاب‌زده اجرا می‌شود و واقعاً فرصت ارزیابی و سنجش وجود ندارد.

استفاده ابزاری از کودکان حاشیه شهر و کودکان کار در جشنواره هم چالش غم‌انگیزی است. گاهی فقط زمانی که به بچه‌ها برای ضبط برنامه یا نشان دادن آن‌ها برای خواستهای نیاز دارند از ما می‌خواهند آن‌ها را معرفی کنیم و این شکل استفاده ابزاری از بچه‌ها درحالی‌که آن‌ها از برنامه‌های جشنواره بهره‌مندی بسیار کمتری دارند، بسیار ناعادلانه است.





زیبایی‌شناسی را جدی بگیریم

نقد و بررسی فیلم داستانی «هزار و یک روز یا افسانه بناسان، گول چراغ جادو»



محمد بزرگ / منتقد

به موضوعات ذکر شده، زمانی مضمون زندگی در فیلم ظهور می‌یابد که مفاهیم استعلایی بدون واسطه و با در نظر نگرفتن زیبایی‌شناسی رخ دهند.

از سده هیجدهم به این سو، زیبایی‌شناسی به‌عنوان یک علم، بر آن شد که راه علوم طبیعی را پیش گیرد و با روش‌های علم فیزیک، شیمی یا زیست‌شناسی عمل کند؛ ولی به‌زودی معلوم شد که زیبایی‌شناسی برخلاف علوم طبیعی، تأثیر عاطفی دارد و نمی‌توان آن را در آزمایشگاه، مانند پدیده‌های بی‌جان یا جاندارانی همچون خرگوش مورد آزمایش قرار داد. در حال حاضر، زیبایی‌شناسی بانک که علم جوانی نیست، به دلیل دو مانعی که در مقابل آن قرار داشته، به حد کافی نظام‌مند نشده است. از یک طرف، زیبایی‌شناسی همانند روان‌شناسی، با حالات و عوالم درونی انسانی، یعنی ادراک و عاطفه، غم و شادی، زیبایی و اراده و غریزه سروکار دارد و از طرف دیگر، مفهوم و احکام آن شدیداً نسبی است؛ به این معنی که هرکس یا هر گروه مفاهیم زیبایی‌شناسی را به خواست خود تعبیر و ارزش‌گذاری می‌کند و ما را به اصول یا الگوهای سنجیده‌ای که فرایند هنرآفرینی و هنرپذیری را هدایت و تسهیل کنند، نائل می‌گرداند. باینکه زیبایی‌شناسان در مورد ملاک‌های زیبایی هم‌داستان نیستند، هر شیء یا پدیده‌ای را که در هنرپذیری، احساس خوشایندی برانگیزد، اعم از اینکه زمینه‌ای طبیعی یا هنری داشته باشد، زیبا می‌دانند. نویسندگان و شاعران ایرانی از زیبایی، بسیار سخن گفته‌اند، اما از این مفهوم تعریف روشنی به دست نداده‌اند، بلکه همواره خود را مجذوب و مسحور زیبایی یافته‌اند. در سینما مفهوم زیبایی‌شناسی یا استتیک به فیلتری می‌ماند که باید فیلم از آن عبور داده شود تا اگر محتوای اثر بیرون‌زدگی دارد توسط آن یکدست و هارمونیک شود.

عجله دارد که هرچه مفهوم است به خورد مخاطب دهد؛ در صورتی که او هنوز مطلب قبلی را هضم نکرده و به همین دلیل، آن را پس می‌زند.

از میان این چهار نفر، فردی نام‌آشنا که ستاره سال‌های پیشین سینماست به چشم می‌خورد؛ بله، پرویز پرستویی. او در این فیلم کلامی سخن نمی‌گوید و هرچه می‌بینیم افعال او برای همدلی بین مردم است. البته گاهی آوازهای او در میان افراد سیل‌زده نیز به گوش می‌رسد، اما جدیت چهره او و سکوتی که با صدای فرشته و بناسان مدام روی تصاویر می‌آید موجب کلافه شدن مخاطب است که باید مدام تصویری را ببیند که بیشتر از بار استعلایی و ارزشی خود، به شعار بدل شده‌اند. این ادعا برای سه فرد دیگر هم صادق است. اما موسیقی آخر که قرار است به پایان‌بندی ما کمک کند، گویی مطلب رونکرده فیلم در سکانس پایانی است. تصاویر آسیب‌دیدگان بمباران شیمیایی در ایران و هیروشیما و جاهای تخریب‌شده و همچنین سفرنامه پرویز و هریک از سوژه‌هایی که این سه نفر داشتند، اگر در قالب یک فیلم ساخته می‌شد بسیار اثربخش و مفید بود؛ اما به نظر می‌رسد موسیقی پایان فیلم می‌توانست حلقه اتصال این سه نفر با تمام مفاهیمی باشد که در دل داستان‌های خود دارند. با این همه، زبان الکن ارائه آن مانع از این رویداد می‌شود. دلیلش چیست؟ همان آشفتگی است که مدام در طول فیلم از بار درام می‌کاهد و مفاهیم عمیق انسانی را به شکلی خام‌دستانه معرفی می‌کند. البته نحوه تصویربرداری و زحمتی که کارگردان برای رسیدن به منابعی که برای ساخت این فیلم داشته از نکات قابل توجه است. همچنین تلاش فیلم برای ارائه جدید مستند آن هم برای کودکان به‌عنوان نوعی آشنایی‌زدایی از اشکال ارائه‌شده تا امروز نیز از اتفاقات خوب فیلم قلمداد می‌گردد؛ اما با توجه

قبل از وارد شدن به مبحث نقد و بررسی فیلم، باید عنوان کرد که آنچه این روزها در بیشتر آثار جشنواره دیده می‌شود علاوه بر کم‌شمردن متن، موضوع «زیبایی‌شناسی» است. در این یادداشت سعی شده علاوه بر نقد و بررسی فیلم، به تعریف درست این مفهوم اشاره شود تا راهگشای رفع این مشکل باشد.

فیلم داستانی هزار و یک روز، ساخته حبیب احمدزاده است که در پرونده کاری‌اش ساخت مستند «آخرین تیر آرش»، «موج زنده» و «مجسمه دنیا» دیده می‌شود. خلاصه داستان بدین شرح است: بناسان، گول چراغ جادو، برای جلوگیری از اخراج همیشگی از منظومه شمسی، مجبور می‌شود شرط فرشته‌ای را بپذیرد. بر اساس این شرط، او باید با همکاری چهار انسان معمولی، آهنگی زیبا برای خلق یک معجزه بسازد. پرویز پرستویی، شیسوکو تسویا، گرهاد فرالیینگر، نوریکو آساکورا قرار است از تجارب خود در زمینه اقدامات ضد جنگ بهره بگیرند و دنبال کردن دوربین از آن لحظات، برای مخاطب نوعی حس انسان‌دوستی پدید می‌آورد. اما به قدری حجم تصاویر سفرهای آنان به نواحی مختلف و کلاژیایی که در تقطیع و برش‌ها ارائه شده زیاد است که نمی‌گذارد مخاطب با آن‌ها ارتباط برقرار کند. کارگردان گویی



همه چیز خوب پیش می‌رود تا اینکه پسرک شباهتی میان مادر خود و دختر پیدا می‌کند و به نوعی عاشقش می‌شود؛ عشق از یادرفته پسر و مادر. به بیانی دیگر، عشق پسر به مادرش در دل او شکل می‌گیرد و کار به جایی می‌رسد که پسر برای پدرش، از دختر خواستگاری می‌کند. لحظه‌ای به ظاهر ملودرام، اما به قدری مضحک که به فیلم‌های کم‌دی پهلوی می‌زند و برای خرید کادویی دست به دزدی می‌زند و در پایان، همچون فیلم‌های ملودرام در زیر باران با دیدار عاشق و معشوق فیلم به پایان می‌رسد.

به ندرت پیش می‌آید که در نقد فیلم‌ها از اثری به بدی یاد کنم یا بخواهم آن فیلم را در زیر کلمات نقد له کنم، به خصوص در وضعیت فعلی که دنیا دچار پاندمی کروناس است و سینما رفتن کاری بسیار خطرناک تلقی می‌شود. اما این فیلم چاره‌ای برای من نگذاشت تا هرچند اندک، از نگاه‌های درمانده آن، مطلبی بنویسم. فیلم با همه نکات مثبتش به ما اجازه نقد فرمال نمی‌دهد و ما را مجبور می‌کند تا یقه مضمون و شخصیت‌ها را بگیریم تا بتوانیم در موردش مطلبی بنویسیم و آن را فیلمی درمانده، درنگ‌های خاک خورده در زیر پنجره‌ای با نمایی ارتجاعی به انسان ببینیم.

خروس در خروس بازی می‌شود که هرکس بتواند برنده شود، پولی به جیب خواهد زد و مانند کلیشه‌های قدیمی سینمای ایران، این پول را خرج عشقش - چه عشق به مادر چه عشق به زنی دیگر- خواهد کرد. گویی که جهان کودک و بالغ ما، راهی جز مهرطلبی با پول خرج کردن بلد نیست. کودکان در این فیلم همچون نقش خروس در بازی خروس بازی، چیزی جز سوژه سرگرمی نیستند. دیگران دور آن‌ها جمع می‌شوند، دست می‌زنند، سوت می‌کشند و سرگرم می‌شوند. به معنای دیگر، کودکان تبدیل به تنی سرگرم‌کننده، سوژه خشونت فیزیکی و روانی می‌شوند. در طول این بخش، حداقل هفت بار کودکان سیلی می‌خورند، به وفور به آن‌ها فحش می‌دهند و بعد از آبدیده شدن، تبدیل به موجوداتی زرنگ و دروغ‌گو می‌شوند تا بتوانند در این جهان زنده بمانند.

بخش دوم فیلم روایت صغیری از کودکی است که تلاش دارد نقش آدم‌های بالغ را بازی کند. نقش مکمل فیلم، یعنی مونا فرجاد، عاشق پزشکی است که در منطقه‌ای محروم کار می‌کند. زمانی که پسرک داستان متوجه این موضوع می‌شود، از در رفاقت وارد می‌شود و تلاش می‌کند تا دختر را در مسیر رسیدن به عشق کمک کند. تا اینجا داستان،



علیرضا محرز / منتقد

وقتی فیلم «پسران دریا» را دیدم، نمی‌دانستم که درباره‌اش چگونه بنویسم. فیلم دارای تکنیک‌های کافی و مناسب است، اما در عین حال مضمونی دارد پراز خشونت و درمانده در نگاهی ابتر که هرچه فیلم بیشتر پیش می‌رود، خودش را بیشتر نشان می‌دهد.

فیلم پسران دریا در دو بخش، به روایت دو پسر شمالی و جنوبی می‌پردازد. در بخش نخستین، داستان پسری روایت می‌شود که نامش «لوچو» به معنی بکه‌بزن در ورزش کشتی است. لوچو که تصمیم می‌گیرد بعد از مرگ پدرش کار کند، با شخصیتی که نقش آن را افشین هاشمی بازی می‌کند همراه می‌شود. افشین هاشمی با تیپ شخصیتی فردی با معرفت که به کودکان اهمیت می‌دهد، خمیرمایه شخصیت مکمل فیلم را شکل می‌دهد. این دو در بخش ابتدایی فیلم با هم همسفر می‌شوند تا با شرط‌بندی بر سر کشتی‌گیری لوچو و برنده شدن او درآمدی به جیب بزنند. بخش دوم فیلم داستان پسری به اسم «کارگ» را روایت می‌کند که پدرش در زندان و مادرش از دنیا رفته است. پسرک در کافه‌ای بین‌راهی مشغول به کار است. در این کافه بانویی اهل جنوب ایران با بازی مونا فرجاد با او همکار و دوست می‌شود. در این بخش، فیلم هرچه پیش می‌رود، رابطه میان این دو عمیق‌تر می‌شود، تا جایی که محوریت رابطه میان آن دو را رابطه پسر (مردانگی) و مادر (زنانگی) شکل می‌دهد.

باید صادقانه گفت که فیلم از بن‌مایه‌های فنی خوبی برخوردار است. مشخصاً در بخش اول، تصاویر دل‌نشین و رنگ سبز و باطراوات شمال ایران، همراه با بازی چشمگیر کودکان مخصوصاً در نماهای بسته، نکاتی قابل توجه و گاه حیرت‌انگیز است؛ اما ابتر ماندن فیلم در نگاهی درمانده که برآمده از ذهنیتی خاک خورده است، به فیلم ضربه‌ای اساسی می‌زند. در بخش نخست، تن قهرمان داستان به کارگر کتک‌خور و منعقدشده در جهان خودشیفته امروز تبدیل می‌شود؛ این زرنگی تنها چیز بااهمیت در جهان بزهکاری فیلم است. لوچو تبدیل به بدن سرگرم‌کننده‌ای برای شرط‌بندی بر سر برد و باخت، مانند نقش



تصاویر دل‌نشین و رنگ سبز و باطراوات شمال ایران، همراه با بازی چشمگیر کودکان مخصوصاً در نماهای بسته، نکاتی قابل توجه و گاه حیرت‌انگیز است

شمال به جنوب

یادداشتی بر فیلم «پسران دریا» ساخته افشین هاشمی و حسین قاسمی جامی





روایتی کودکانه برای بزرگسال

یادداشتی بر فیلم «داستان‌های هزار و یک روز یا افسانهٔ بُناسان، گول چراغ جادو» ساختهٔ حبیب احمدزاده



عرفان رجایی / منتقد



از همان ابتدا تصاویر نقاشی‌شدهٔ جنگ، از چنگیز گرفته تا ترس موجود در «جیخ» ادوارد مونک، فضایی فاجعه‌آلود را شکل می‌دهد. داستان پردازشی است مستند با روایتی داستان‌گونه از زبان کودکی روی تخت بیمارستان در گفتوگو با گول چراغ جادو که در تاریخ معلق مانده و فرشته‌ای به او مأموریت داده تا سه بانی صلح را به وحدت برساند.

ماجرای در روای آهنگساز ژاپنی پیش می‌رود که زندگی‌اش رو به پایان است و وقت بسیار کمی دارد تا بدون اینکه خاورمیانه را دیده باشد، برای آن قطعه‌ای بسازد.

گول چراغ جادو می‌گوید: «انسان با خیال کردن می‌تواند به هر جایی سفر کند.» داستان در خیال و رؤیای او، پیرامون سه شخصیت حقیقی یعنی «زویا»، «پروفیسور» و «پرویز» است که هریک می‌کوشند تا به نحوی التیامی برای روح جامعه پس از سانحه باشند؛ از قربانیان شیمیایی سردشت و هیروشیما تا سیل‌زدگان جنوب و مجروحان پناه‌برده به وین. کارگردان تصویر کاملی از شهرهای ایران و ژاپن نشان می‌دهد؛ از طبیعت متنوع هر دو کشور گرفته تا بناهای به‌جای مانده در طول تاریخ. در آبادان دو بار به سولهٔ تیرباران شده



ماجرای در روای آهنگساز ژاپنی پیش می‌رود که زندگی‌اش رو به پایان است و وقت بسیار کمی دارد تا بدون اینکه خاورمیانه را دیده باشد، برای آن قطعه‌ای بسازد

تحمل آن‌ها برای مخاطب بزرگسال نیز سنگین باشد. فیلم حدی از شعارگونه‌گی را نیز دربردارد، برای دادن پیام مهرورزی به نسل‌ها و دعوت آن‌ها به نوع دوستی، در بستر کودک و برای بزرگسال و بدون هیچ کششی برای کودک.

در جنگ می‌رود، اما از آرامش حافظیه هم باز نمی‌ماند یا اتاق رمزآلود موسیقی در عالی‌قاپو. در تمام صحنه‌ها، توازنی از سیاهی و روشنی جاری است؛ از جنایت و عشق، از یأس و امید. احساسات متنوع و گاه شدیدی که شاید



سکه فیلم، سکه نگاه

بخش کوتاه فیلم‌های جشنواره

تحمل پذیر تبدیل کنند؛ اما موفق نیستند. در پی این تلاش نافرجام دست به دامان سنت قصه‌گویی می‌شوند، ولی این نسل تمایلی به شنیدن قصه ندارد؛ چراکه قالب این‌گونه قصه‌ها برای آن‌ها تکراری است. این نسل بیشتر به دنبال هیجان هستند تا یک جا نشستن و قصه شنیدن. در سراسر فیلم شاهد تقابل دو نسل و عدم شکل‌گیری ارتباط بین آن‌ها هستیم. نسل دهه نود حاضر به برقراری ارتباط نیست و سازش کمی دارد و این ویژگی نسلی به‌وضوح در فیلم بازتاب داده شده است. در قسمتی از فیلم وارد فضای ذهنی مرد می‌شویم. این بخش در خوش‌بینانه‌ترین حالت کارکردی جز بحث زیبایی‌شناسانه حرکت ندارد و در بدبینانه‌ترین حالت به رخ کشیدن توانایی بدنی بازیگر کودک فیلم است.

در ادامه، مرد و زن تصمیم می‌گیرند تا به وسیله شام، کودک را سرگرم کنند، اما این فکر خوبی نیست؛ چون در حین نقشه خواب کردن کودک که به وسیله مرد مطرح می‌گردد و از طرف زن رد می‌شود، کودک سراغ اسحاق‌گاز می‌رود و دستانش را می‌سوزاند. فریاد بلند هدیه، پای مأمور قانون را به خانه باز می‌کند. مأمور در پی یافتن منبع فریاد است؛ اما هدیه ناپدید شده است. کارگردان در این بخش از داستان، به فیلم معروف «تنها در خانه» طعنه کوتاهی می‌زند و از محدود پلان‌هایی است که تلاش برای شکل‌گیری موقعیت کمیک دارد؛ اما نتیجه‌اش چند آسیب جزئی و بی‌هوشی مأمور است و این‌طور وانمود می‌شود که هدیه بالای کابینت‌ها مخفی شده بوده و بر همه چیز اشراف داشته است. او در همین زمان این نقشه را برای مأمور کشیده است و پس از بی‌هوشی او، به پایین پریده و پا بر سینه مرد قانون می‌گذارد. نسلی که هنجارشکنی در گوشت و پوست و استخوانش ریشه دوانده است. اما پایان‌بندی فیلم مثل شروعش آن چنان مرموز و گیرا نیست. انگار که قرار است همه چیز سرهم‌بندی بشود؛ صاحبخانه مأمورین دیگری را خبر می‌کند، ولی خبر خوش تولد فرزند جدید، همه چیز را ختم به خیر می‌کند و همه خوشحال و خندان به خانه‌های خود برمی‌گردند.

تنها نکته مثبت پایان‌بندی فیلم، محول کردن وظیفه قصه‌گویی بر دوش هدیه است؛ گویی شهرزادی نوجوان را در وجود دختری که تا همین چند لحظه پیش از درودیوار خانه بالا می‌رفت، احضار می‌کند. شهرزاد فیلم، شروع به قصه‌گویی می‌کند و داستان زندگی مرد و زن را در قالب خرگوش کوچولوهایی که پنج سال است ازدواج کرده‌اند و زندگی‌شان به کسالت رسیده است مطرح می‌کند و در انتها هم با پیام اخلاقی «بچه‌دار شوید تا زندگی‌تان از کسالت خارج شود» به پایان می‌رسد و زن و مرد هم مثل مخاطب به خوابی خرگوشی فرومی‌روند. شاید بتوان گفت که انتخاب نام هدیه،



منصور کامکار / منتقد

● فیلم کوتاه داستانی «ازدها لازم می‌شود» کارگردان سامان غنایمی

فیلم با نمایی نزدیک از چهره مرد و زنی مغموم در دو سوی یک کیک با شمع عدد پنج که تا نیمه‌هایش سوخته است آغاز می‌شود و دوربین به مرور عقب می‌رود و معرفی آغاز می‌گردد. کیک مربوط به هر دو نفر آن‌هاست، چراکه هر دو هم‌زمان و نفس بریده شمع را فوت می‌کنند؛ اما اگر کیک تولد نیست، پس چیست؟ در انتهای فیلم پلانی وجود دارد که سنت قصه‌گویی وارونه می‌شود و شهرزاد قصه‌گو، ازدها لازم می‌شود و راز عدد پنج را برملا می‌کند. این زن و شوهر پنج سال است که ازدواج کرده‌اند و زمان، درست شب پنجمین سالگرد ازدواج آن‌هاست. سکون در فیلم از جایی به هم می‌خورد که مرد و زن در حال تماشای فیلم هستند و مهمان ناخوانده از پشت پرده میان آن‌ها و تلویزیون قرار می‌گیرد. شکافی ایجاد می‌شود، او کیست و علت حضورش چیست؟ اما به این سؤال به‌زودی پاسخ داده می‌شود؛ پدر و مادر دختر در بیمارستان، منتظر تولد فرزند دیگری هستند و دخترشان را برای یک شب، مهمان ناخوانده زن و شوهری مغموم کرده‌اند. این مهمان که «هدیه» نام دارد، دردسرهایی را برای این خانواده کوچک ایجاد می‌کند؛ اما دردسرها جذابیت کافی برای جذب مخاطب و ایجاد تنش‌های لازم را ندارد. البته گاهی موقعیت‌های کمیک ایجاد می‌شود، اما این موقعیت‌ها ابتر می‌مانند و تأثیر لازم را بر مخاطب نمی‌گذارند. هیجان هدیه از نوع لباسی که پوشیده است به‌وضوح پیداست (لباس رزمی شرقی) و این سروصدا باعث می‌شود تا زن همسایه که صاحبخانه است به سراغ این زن و شوهر بیاید. دردسر اصلی آغاز می‌شود و صاحبخانه که شاکی است، تصمیم دارد پای قانون را وسط بکشد؛ اما مرد به او قول می‌دهد که دیگر صدایی از این خانه بلند نشود، هرچند با حضور هدیه هیجانی، مگر این مسئله امکان‌پذیر است؟ پس از آن، زن و مرد تلاش می‌کنند تا هیجان هدیه را به سکونی





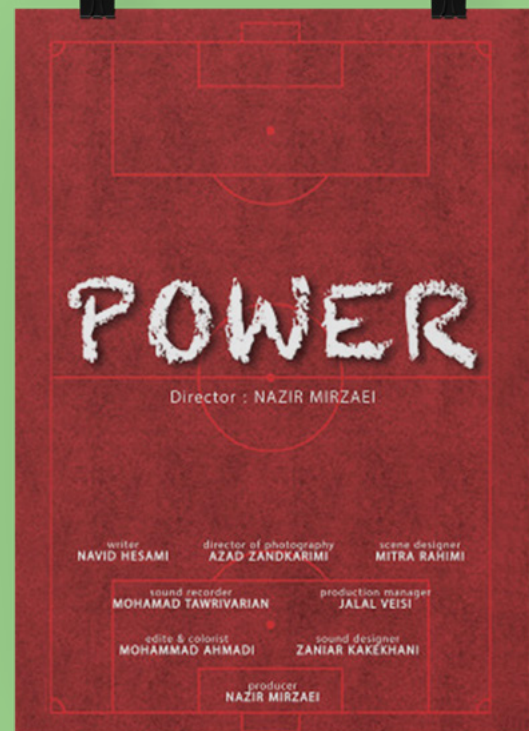
از حفره سیاه مردمک چشم مرد وارد دالان ذهنش می‌شویم. در یک اتاق قدیمی مردی پشت میز نشسته است و دارد چیزی می‌نویسد. کسی بر در می‌کوبد.

در یک جغرافیای معلق کویری که زمینش از بی‌آبی ترک برداشته است، مرد از یک بنای خشت و گلی بیرون می‌آید. معماری بسیار متزلزل است و هر لحظه امکان افتادن مرد وجود دارد تا اینکه در نهایت روی راه پله‌ای سقوط می‌کند. پله‌ها یکی یکی فرومی‌ریزند. اکنون اضطراب به اوج خود نزدیک می‌شود. به اتاق مرد بازمی‌گردیم. در اتاق همچنان کوبیده می‌شود. مرد پشت میز نشسته است و دارد چیزی می‌نویسد، دوباره در فضای ذهنی مرد...

مرد پشت دری با پلاک هفت و معماری سنتی معلق که در آستانه فروپاشی است، ایستاده است و بر در می‌کوبد. کسی در را باز نمی‌کند. به در تنه می‌زند و ناگهان در باز می‌گردد و به درون اتاق کشیده می‌شود. همان اتاق است و مردی پشت میز مشغول نوشتن است. مرد تازه وارد اسلحه را بیرون می‌کشد. مرد پشت میز، نوشته را مچاله می‌کند و مرد مهاجم ناپدید می‌شود. در این زمان، متوجه می‌شویم که مرد پشت میز همان مرد مهاجم است که دیگر نیست. نوشته به درون سطل آشغال پرتاب می‌شود. سپس مرد قاب عکس نیم سوخته معشوقه‌اش را از درون کتو بیرون کشیده و روی میز می‌گذارد. دوربین از پنجره بیرون می‌کشد.

سایه‌هایی بزرگ بر دیوارها ظاهر می‌شوند. مرد از روبه‌روی سینمایی که تبلیغ فیلم «کازابلانکا» را دارد عبور می‌کند. همه چیز دفرمه است. اعوجاج در کوچک‌ترین عنصر صحنه خود را نمایان ساخته است؛ اما این دفرمه بودن صرفاً برای زیبایی نیست. حتی انتخاب لوکیشن بسیار هوشمندانه و زیرکانه است. اتفاق دارد در دل تاریخ رخ می‌دهد؛ تاریخی سرتاسر فراز و نشیب، سرتاسر فروپاشی و سرشکستگی. همه چیز کم‌کم از حالت نرمال خود خارج می‌شود و خبر از شکل‌گیری فرمی بدیع دارد. در عین حال که نگاه رو به گذشته است، نوید آینده‌ای روشن برای جریان انیمه‌سازی این مرزوبوم به گوش می‌رسد. حالا سایه‌ها مرد را دستگیر می‌کنند. مرد در اتاق بازجویی تحت سیطره سایه‌ای وهم‌انگیز قرار دارد. سایه، سیگازکشان اسلحه‌ای بیرون می‌کشد و با اسلحه به سمت قلم و دفتر مرد که روی میز است حمله می‌کند و با سرهفت‌تیر، قلم مرد را روی میز جابه‌جا می‌کند. سپس عکس زنی را که به حتم معشوقه مرد است و حالا در اقیانوس استیصال، شناور مانده از لای دفتر روی میز بیرون می‌کشد. با آتش سیگاری که انگار سایه دودش تا آسمان هفتم کشیده می‌شود، به عکس معشوقه مرد تجاوز می‌کند. سپس اسلحه را روی میز می‌اندازد و مرد بلافاصله اسلحه را به دست می‌گیرد تا خودش را خلاص کند.

یک فضای ذهنی پیش از مرگ که دقیقاً در جای درست خودش قرار گرفته است.



می‌شود، اما یک چیز کم است؛ کارت. قهرمان پوشه‌ای کاغذی را برمی‌دارد و با کمک چاقو کارت را هم آماده می‌کند. حالا همه چیز آماده است. اما چرا فقط کارت قرمز؟ به زودی و به زیبایی به این سؤال پاسخ داده می‌شود. قهرمان با گام‌های استوار و هیبتی سنگین به میدان بازی برمی‌گردد. حالا دیگر خبری از آن سرافکنندگی و طردشدگی نیست. آغاز می‌شود و به زودی هیبت سنگین قهرمان سایه خود را بر بازی می‌گستراند. کوچک‌ترین خطا در بازی با شدیدترین رفتار قهرگونه از سوی قهرمان مواجه می‌شود؛ کارت قرمز و اخراج! حالا نظمی استوار زیر پوست بازی ریشه می‌دواند؛ ولی به زودی این نظم، مخرب می‌شود و تأثیر وارونه از خود به جای می‌گذارد. بچه‌ها یکی یکی از بازی اخراج می‌شوند و زمین خالی و خالی‌تر می‌شود. انگار برقراری نظم بهانه‌ای است برای تلافی طردشدگی ابتدای فیلم. بچه‌ها معترض هستند؛ اما تنها با اعتراضی سرسری، زمین را ترک می‌کنند. در انتها کسی در زمین بازی باقی نمی‌ماند، به جز تیرک‌های دروازه، خطوط زمین، توپی که غریبانه در وسط زمین رها شده است و قهرمانی که بالذتی سادبسم‌گونه همچنان با ابهت میان زمین ایستاده است و سایه‌هایی کشیده، خبر از نزدیک شدن غروب می‌دهند. از نکات مثبت دیگر فیلم، نبود دیالوگ و تأکید بر کنش صحنه‌ای است. کنش‌های صحنه‌ای به اندازه کافی گویا هستند و با مخاطب صحبت می‌کنند؛ پس نیازی به حرف اضافه نیست.

● پویانمایی «گذشته» (انیمه خمیری) کارگردان حمید محمدی

در شهرک سینمایی غزالی، مردی تنها با کتابی در دست، در تعقیب و گریزی ناخواسته قرار دارد و مدام از چیزی فرار می‌کند؛ اما چه چیز؟ رفته‌رفته

هوشمندانه‌ترین انتخاب فیلم‌نامه‌نویس است؛ زیرا این هدیه ناخواسته، توانست هیجان را در این خانه بیدار کند و حس مادرانه زن فیلم را تقویت کند.

● فیلم کوتاه داستانی «پاور» کارگردان نظیر میرزایی

زمین خاکی فوتبال و قهرمان نوجوانی که تنها نشسته و انتظاری استرس‌گونه را تحمل می‌کند. نگرانی در چشم‌هایش موج می‌زند. سر و وضع نوجوان، کلاه نقاب‌دار ورزشی کهنه، کفش‌های پاره و لباس‌هایی که نزدیک است تاروپودشان از هم دریده شود، خبر از خاستگاه و طبقه‌ای فرودست می‌دهد. بچه‌ها به قهرمان نزدیک می‌شوند؛ اما به محض رسیدن، او را طرد می‌کنند و بازی‌اش نمی‌دهند. قهرمان که حالا نگرانی‌اش به سرافکنندگی تبدیل شده است، پشت خط زمین فوتبال می‌رود و با چشمانی سراپا حسرت، بازی بچه‌ها را زیر نظر می‌گیرد. توپ فوتبال کاشته می‌شود و بازی آغاز می‌گردد؛ اما رفته‌رفته بی‌نظمی بازی بیشتر و بیشتر می‌شود تا جایی که با پیچیده‌تر شدن مشکل، بازی بچه‌ها با گره‌ای کور مواجه می‌شود. در این موقعیت، چاره‌ای ندارند جز اینکه دست به دامان قهرمان مطرود بشوند؛ بچه‌ها یک‌سو و قهرمان یک‌سو. حالا وزن قابی که فیلم‌ساز بسته است به تعادل نزدیک می‌شود. وظیفه‌ای بزرگ بردوش قهرمان گذاشته می‌شود. خیلی دور از حدس نیست. او باید نظم را به بازی برگرداند؛ یک «داور».

قهرمان بچه‌ها را رها می‌کند و به خانه برمی‌گردد. در کمد لباس‌ها سراغ چیزی را می‌گیرد. در پی انتخاب لباس است؛ اما لباس مناسب را پیدا نمی‌کند. لباس نظامی کلاسیکی را از نظر می‌گذراند، کمی تأمل می‌کند. شاید لباس مربوط به پدر یا پدر بزرگش باشد. لباس انتخاب





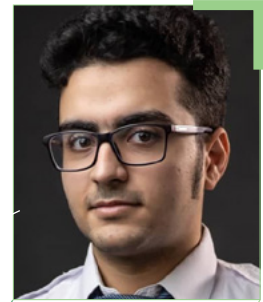
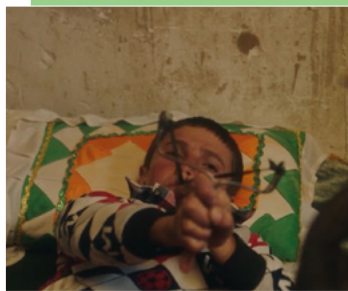
گرگ‌گشی

یادداشتی بر فیلم «وادیار»

آنچه باید موقعیت را برای مخاطب باورپذیر کند جغرافیای خانه قهرمان و مادرش است. خانه آن‌ها از چه موقعیتی برخوردار است که گرگ آنجا را برای حمله انتخاب می‌کند؟ با گذر از چنین مواردی که برآمده از تسامح روایی است، صحنه مربوط به حمله گرگ و درگیری مادر با او، از منظر عناصر سبکی بسیار دقیق و هوشمندانه است. ظرافت در چهره‌پردازی صورت مادر پس از حمله گرگ و بهره‌گیری از افکت‌های بصری و دوربین سیالی که التهاب صحنه مذکور را به خوبی منتقل می‌کند، از جمله مؤلفه‌های ارزشمند فیلم محسوب می‌شود.

موضوع دیگری که در فیلم باید به آن توجه کرد انتخاب محیطی است که کارگردانان در گذشته کمتر به سراغ آن رفته‌اند. سازندگان وادیار از این لوکیشن به منظور بسط داستان خود و اشاره به باورهای روستای مذکور بهره می‌برند؛ اما این باور در سطح باقی می‌ماند و در قصه، صاحب موقعیتی نمی‌شود که آن را رشد دهد. گویی صرفاً با یک اشاره، از آن گذر می‌شود و ما در نمی‌یابیم که رویکرد فیلم در برابر این باورها و بحران‌های پیش‌رو و وقایع قبل و بعد آن چیست. بنابراین می‌توان این بخش را بدون اینکه به داستان لطمه وارد شود از داستان حذف کرد. معمولاً یک فیلم‌نامه‌نویس، زمانی به عقاید یک شخصیت یا یک گروه اشاره می‌کند که بخواهد به وسیله آن، کاراکترهایش را بیرواند و پیرنگ داستانش را گسترش دهد. در وادیار، ارتباط این عقاید با شخصیت‌های اصلی مشخص نیست و در شناخت بهترشان نیز کارکردی ندارد. هم‌چنین ممکن است فیلم‌نامه‌نویس باور یا خرافه‌ای را به قصد نقد آن به کار برد که در این صورت، فیلم باز هم نیاز به شخصیت‌هایی دارد که در دیالکتیک با یکدیگر، ابعاد مختلف باور مذکور را تشریح کنند؛ اما در وادیار این اتفاق نیز نمی‌افتد تا جایی که حتی نویسنده درباره عقیده‌ای که مطرح می‌کند هیچ موضعی ندارد.

وادیار قصد دارد یک پسر بچه را به عنوان قهرمان خود معرفی کند که در برخی از ابعاد شخصیت‌پردازی او، مثل علاقه‌اش به مادر در صحنه‌ای که او را از لای در نگاه می‌کند و بزرگ‌اندیشی‌اش که در حمل اسلحه و عزمش برای کشتن گرگ مطرح است، موفق هم می‌شود؛ اما سهل بودن موانعی که بر سر راه او در مقام یک قهرمان وجود دارد، مثل یافتن گرگ، آن هم در ساده‌ترین شکل ممکن یا جدی نبودن عمویش در نهی او از این کار، باعث می‌شود شخصیت قهرمان، آن بُعد دراماتیک لازم را پیدا نکند و عمل قهرمانانه‌اش، چندان شجاعانه تعبیر نشود. باین حال صحنه آخر فیلم به دلیل دو برداشت مختلفی که می‌توان از آن کرد، ارزش والایی می‌یابد.



محمد جواد فراهانی / منتقد

مرجان خسروی (نویسنده و کارگردان)، مهدیه سادات محوری و میلاد خسروی (تهیه‌کنندگان)، آرمان فیاض (مدیر تصویربرداری)، آرش قاسمی (طراحی و ترکیب صدا)، سروش عزیزی (صدابردار)، عماد خدابخش (تدوین)، محمد برداران (جلوه‌های ویژه بصری)، مرضیه احمدی و سجاد مرادی (روتوسکوپ) و مسیح نجفی و مریم مرادیان (بازیگران) از جمله عوامل فیلم کوتاه وادیار به شمار می‌آیند.

آنچه در فیلم‌های کوتاه به‌عنوان موقعیت‌محوری شناخته می‌شود می‌تواند به‌مثابه بحران در فیلم‌های بلند در نظر گرفته شود. معمولاً فیلم‌نامه‌نویسان فیلم‌های کوتاه با مدنظر قرار دادن این اصل، شخصیت‌ها را ابتدا در یک نظم ابتدایی قرار می‌دهند و سپس با موقعیتی از جنس اتفاقی غافلگیرانه و مانند آن، بحرانی را شکل می‌دهند تا از پس آن، فیلم‌نامه را به فرجام برسانند و بدین ترتیب پیامشان را منتقل کنند. حال با توجه به زمان محدود فیلم کوتاه، فیلم‌نامه باید به صورت موجز و فشرده، مسیری را طی کند که در آن مخاطب ابتدا قادر به شناخت کاراکترها باشد و سپس بحران به وجود آمده برای آن‌ها را درک و با آنان همذات‌پنداری کند. از آنجا که شخصیت‌های یک فیلم از طریق برخوردشان با مسائل و موقعیت‌های دراماتیک به ما شناسانده می‌شوند، اهمیت موقعیت‌محوری در فیلم‌نامه کوتاه دوچندان می‌شود.

موقعیت‌محوری در فیلم وادیار بدون زمینه‌چینی قبلی و به شکلی غافلگیرانه و مهیب خود را نشان می‌دهد. این موقعیت می‌توانست تأثیرگذارتر عمل کند. اگر کارگردان با تأکید بیشتر بر محیط، از قبل، حضور گرگ در روستا را هشدار می‌داد، می‌توانست به‌غیراز حس التهاب موجود، تعلیق نیز بیافریند و مخاطب را هر لحظه نگران شخصیت زن کند. در این میان،



رئیس مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان تصریح کرد:

امکان دسترسی همه کودکان به جشنواره کودک با برگزاری مجازی آن

مصطفی نباتی‌نژاد، رئیس مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان گفت: برگزاری ترکیبی جشنواره کودک به صورت مجازی و حضوری، دسترسی آسان همه کودکان به تماشای فیلم‌ها را فراهم می‌کند.



برای سال نخست روند خوبی را نیز طی کرد. نباتی‌نژاد با تأکید بر اینکه برگزاری مجازی جشنواره کودک امکان گسترده‌تر شدن دسترسی به این جشنواره در ایام برگزاری را فراهم کرد، افزود: محدودیت‌ها برای حضور در جشنواره کودک برای همه کودکان برداشته شد و این امر اقدام خوبی بود.

وی ادامه داد: برگزاری جشنواره کودک به صورت حضوری و آنلاین باید دنبال شود؛ البته باید برای ادامه این امر، بیشتر در عرصه پژوهش و رویدادها فعالیت کنیم و روند بهتری را پی بگیریم.

رئیس مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان تأکید کرد: باید طرح‌های پژوهشی دقیق در زمینه برگزاری جشنواره انجام شود و با مقایسه طولی روند برگزاری جشنواره، شیوه حمایت از جشنواره تعریف گردد.

وی افزود: از سوی دیگر، با استفاده از ظرفیت‌های تسهیلگری خود، گروه‌های مختلف مردمی را دنبال می‌کنیم، تاجایی که دبیرخانه جشنواره در سطح استان توسعه یابد.

● لزوم استفاده از ظرفیت خواهرخوانده‌ها برای برگزاری جشنواره کودک

نباتی‌نژاد در خصوص استفاده از ظرفیت خواهرخوانده‌ها برای بین‌المللی‌تر شدن جشنواره کودک اضافه کرد: باید از شهرداران این شهرها برای حضور در جشنواره دعوت کرد و همچنین اگر هنرمندان این شهرها تولیداتی منطبق با موضوع جشنواره دارند، با امتیاز بیشتری داوری شود.

وی افزود: از سوی دیگر، باید به منظور برگزاری هم‌زمان، کل اطلاعات و رویدادهای برگزاری جشنواره کودک از سوی امور بین‌الملل شهرداری برای شهرهای خواهرخوانده ارسال شود تا رویدادهای مهم شهری اصفهان در این شهرها نیز به‌عنوان الگوی اجرایی قرار گیرد.

سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، به دبیری علیرضا تابش از ۱۶ تا ۲۱ مهر ۱۴۰۰ (۸ تا ۱۳ اکتبر ۲۰۲۱) با شعار «سینما، سرزمین خیال» در حال برگزاری است.

● زمینه‌سازی معرفی آثار برتر سینمای کودک و نوجوان در عرصه ملی و بین‌المللی

رئیس مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان با بیان اینکه معرفی آثار برتر سینمای کودک و نوجوان در عرصه ملی و بین‌المللی و زمینه‌سازی برای حضور کودکان و نوجوانان برای تماشای این فیلم‌ها از اهداف برگزاری جشنواره کودک است، ابراز داشت: رشد و رونق تولید آثار سینمای کودک از طریق زمینه‌سازی برای تولید این آثار با تکیه بر تعامل و حمایت نیز از دیگر اهداف دیگر این جشنواره شمرده می‌شود.

وی با بیان اینکه ارتقا و رشد فرهنگ، دانش و ذائقه کودکان و نوجوانان از طریق آثار سمعی و بصری نیز از دیگر مقاصد برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان است، اضافه کرد: در این زمینه ابزارهای مختلفی برای تحقق اهداف تعریف شده است.

نباتی‌نژاد با بیان اینکه رصد و ارزیابی فعالیت‌های جشنواره کودک امری ضروری است، ابراز داشت: البته این اقدام باید در مورد همه رویدادهای فرهنگی، اجتماعی و هنری شهر انجام شود.

نباتی‌نژاد با بیان اینکه نظرسنجی‌ها باید منصفانه و براساس نظرات کارشناسی باشد، افزود: این نظرات می‌تواند از گروه‌های مستقل و تخصصی حوزه سینما، ذی‌نفعان جشنواره، دست‌اندرکاران و هیئت‌داوران گرفته شود.

رئیس مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان تصریح کرد: این ارزیابی‌ها می‌تواند نشان دهد که این جشنواره تا چه اندازه موفق بوده و چه ضعف‌های قابل‌رفعی دارد.

وی با بیان اینکه کرونا و چالش‌هایش همه جهان را درگیر کرد و در این میان، تعاملات اجتماعی بیش از هر چیز دیگری از این معضل جهانی تأثیر پذیرفت، ادامه داد: در این زمینه بسیاری از شهروندان یاد گرفتند که اتفاقات را از دور ببینند، بشنوند و دنبال کنند. این امر در برگزاری آنلاین دوره سی‌وسوم جشنواره کودکان و نوجوانان اتفاق افتاد که

به گزارش ستاد اطلاع‌رسانی سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان، مصطفی نباتی‌نژاد با بیان اینکه جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، جشنواره‌ای ریشه‌دار در اصفهان است، اظهار داشت: این جشنواره از دهه ۶۰ آغاز و تاکنون ۳۳ دوره آن برگزار شده و در بیش از ۲۰ دوره آن، اصفهان میزبان جشنواره بوده است.

وی با بیان اینکه جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان رویدادی ملی و بین‌المللی است، تصریح کرد: این جشنواره تنها رویداد بین‌المللی و ملی است که در اختیار شهرداری اصفهان قرار دارد و این موضوع حائز اهمیت است.



سخنگوی شورای اسلامی شهر اصفهان تأکید کرد:

جشنواره کودک؛ نقطه عطفی در تاریخ سینمای ایران



علی صالحی گفت: روند روبه‌رشد تولید آثار حوزه کودک و نوجوان به لحاظ کمی و کیفی از طریق جشنواره کودک شکل گرفته است و با تقویت حوزه‌های کیفی می‌توانیم تأثیرات بیشتری از جشنواره را در حوزه فیلم‌های سینمایی شاهد باشیم.



یکی از آورده‌های حوزه فرهنگی پرکردن اوقات فراغت و برطرف کردن بخشی از نیاز خانواده‌های اصفهانی به کالاهای فرهنگی در کنار ایجاد محرک‌های رشد است

به گزارش ستاد اطلاع‌رسانی سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، علی صالحی با بیان اینکه جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان را باید از چند جهت بررسی کنیم، اظهار کرد: بخش اول آورده‌ای است که این جشنواره در زمینه برند شهری برای اصفهان ایجاد کرده است. جشنواره کودک تنها جشنواره بین‌المللی حوزه فیلم در سطح کشور است که میزبانی آن بر عهده اصفهان قرار گرفته و فضای خوبی برای تقویت

زیرساخت‌ها و حضور افراد تراز اول و مطرح حوزه هنر در اصفهان پدید آورده که باید از این فرصت، در همه ابعاد استفاده بهینه کرد.

وی افزود: این جشنواره فرصتی است تا برای فعالان اصفهانی عرصه سینمای کودکان و نوجوانان نصف جهان شرایطی را فراهم کنیم تا برای رشد و پیشرفت مهارت‌های خود از این ظرفیت به‌درستی استفاده کنند.

● فرصتی برای معرفی ظرفیت‌های اقتصادی، فرهنگی، صنعتی، گردشگری اصفهان

عضو هیئت‌رئیس شورای شهر اصفهان با اشاره به ابعاد اجتماعی و فرهنگی این جشنواره تأکید کرد: معرفی اصفهان و ظرفیت‌های اقتصادی، فرهنگی، صنعتی و گردشگری آن و پررنگ کردن موضوع اقتصاد هنر از جمله ظرفیت‌های جشنواره در این بخش است که باید به آن توجه شود.

صالحی در پاسخ به سؤالی درباره قابلیت جشنواره در خصوص تأمین بخشی از نیازهای فرهنگی اصفهان گفت: معتقدم ظرفیت‌های کمتر استفاده‌شده‌ای در جشنواره کودک و نوجوان وجود دارد که باید آن‌ها را شناسایی و فعال کنیم تا فواید جشنواره نصیب شهروندان، کودکان و نوجوانان و هنرمندان اصفهانی شود.

سخنگوی شورای اسلامی شهر اصفهان تأکید کرد: یکی از آورده‌های حوزه فرهنگی پر کردن اوقات فراغت و برطرف کردن بخشی از نیاز خانواده‌های اصفهانی به کالاهای فرهنگی در کنار ایجاد محرک‌های رشد است.

وی با اشاره به اینکه برگزاری جشنواره‌های بین‌المللی در این سطح به دلیل اینکه مقصد سالانه فعالان این عرصه و ارتقای کیفی آثار این حوزه است، گفت: ما در این جشنواره مؤلفه‌های تشویقی مختلفی برای ارتقای سینمای کودک و جذب تهیه‌کنندگان برای ورود به این عرصه تدارک دیدیم. بدون تردید جشنواره کودک نقطه

وی تصریح کرد: آنچه امسال کمیسیون فرهنگی، اجتماعی و ورزشی در شورای شهر در کنار زحمات دوره‌های گذشته و زحمات فعلی اعضای دبیرخانه و برگزارکنندگان، بر آن تأکید داشته، رعایت پروتکل‌ها، کنترل هزینه‌ها و توجه به هزینه‌کرد مناسب و لزوم استفاده بیشتر از ظرفیت‌های جغرافیایی و منابع انسانی، نخبگان و فرهنگ شهر اصفهان است.

وی اضافه کرد: توجه به ظرفیت‌های مختلف و ارزش‌های اصیل و درخور توجه فرهنگی اصفهان در فرایند برگزاری جشنواره و استفاده بهینه از رویدادهای جانبی برای بهره‌مند شدن بیشتر شهروندان اصفهان و همچنین معرفی نصف جهان از طریق این رویدادها از جمله دیگر دغدغه‌های ما بوده است.

عضو هیئت‌رئیس شورای شهر اصفهان گفت: معتقدیم این جشنواره باید آورده مناسبی برای نخبگان، شهروندان، سینماگران و همه کودکان اصفهان، به‌ویژه در مناطق کمتر برخوردار داشته باشد و آن‌ها نیز روزهای شاد و مفرحی را در دوران جشنواره داشته باشند.

● توجه به اقشار مختلف کودکان در جشنواره سی و چهارم

وی با اشاره به برنامه‌های جانبی خاص در این زمینه گفت: توجه به اقشار مختلف کودکان از جمله افراد درگیر بیماری‌های خاص، کودکان کار و کمتر برخوردار از اولویت‌های اصلی برنامه‌های جانبی جشنواره است و برای حوزه‌های پرتردد و مورد توجه شهر نیز برنامه‌هایی در نظر گرفته شده تا مردم نیز درگیر جشنواره باشند و از این فضای مناسب که در ماه مبارک ربیع‌الاول اتفاق می‌افتد استفاده کنند.

وی گفت: امیدواریم در طول برگزاری سی و چهارمین جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان چندین روز فرهنگی خوب و شاد را در نصف جهان در کنار کودکان اصفهانی به‌ویژه در مناطق کمتر برخوردار شاهد باشیم.

عطفی در تاریخ سینمای ایران است. صالحی تصریح کرد: به نظر می‌رسد روند روبه‌رشد تولید آثار حوزه کودک به لحاظ کمی و کیفی از طریق این جشنواره شکل گرفته است و با تقویت حوزه‌های کیفی نیز این جشنواره می‌تواند تأثیرات بیشتری در حوزه سینمای کودک داشته باشد.

وی با اشاره به شرایط ویژه برگزاری جشنواره در سال گذشته و همچنین امسال گفت: عاملی که جشنواره کودک با آن در ایام کرونا درگیر است، تطبیق شرایط جشنواره با پروتکل‌های بهداشتی است. در دنیای امروز که عصر اطلاعات و ارتباطات است تطبیق‌پذیری موضوعات به‌ویژه در حوزه رسانه و هنر یک الزام است و کرونا نیز از جمله این موارد است.

● برگزاری ترکیبی؛ راهکار مناسبی برای تداوم و رشد جشنواره

سخنگوی شورای اسلامی شهر اصفهان با اشاره به اینکه تغییر ذائقه بنا به شرایط محیطی در این وضعیت الزامی است، گفت: برگزاری ترکیبی جشنواره به شکل مجازی و حضوری، هم مؤلفه‌های محیطی و ذائقه مخاطب را در نظر می‌گیرد و هم با توجه به وضعیت اقتصادی شهر و کشور راهکار مناسبی است تا شاهد تداوم جشنواره و رشد و کمال آن باشیم.

وی با اشاره به حمایت‌های شورای شهر ششم از جشنواره کودک اظهار کرد: شورای اسلامی شهر در دوره پنجم برنامه‌ریزی‌های اجرایی و برگزاری این جشنواره را برعهده داشته و شورای شهر دوره ششم نیز نگاه مثبتی به آن دارد.

صالحی با اشاره به اینکه در آینده قطعاً تغییرات رویکردی و نگرشی در حوزه جشنواره کودک داریم، گفت: ما ضمن حفظ این فرصت بزرگ برای سینمای ایران، نیازمند به‌روزرسانی اساسی در رویکردها هستیم.

● لزوم استفاده بیشتر از ظرفیت‌های جغرافیایی و منابع انسانی و فرهنگی اصفهان





«یکی بود، یکی نبود» و دیگر هیچ

یادداشتی بر ساخته مرضیه منصوری



آن دوران مانند «گره آوازخوان» و «دزد عروسک‌ها» بسیار نقش‌آفرین بود که هنوز زمزمه می‌شود و از ذهن‌ها پاک نشده است.

در این میان، فیلم یکی بود یکی نبود، نه قادر به تعریف خود برای کودک و نوجوان است و نه بزرگسالان را مخاطب قرار می‌دهد. دنیای فانتزی و تخیلی فیلم به قدری ضعیف و دم‌دستی است که بعد از تیتراژ پایانی، نام هیچ‌کدام از عروسک‌ها در خاطر نمی‌ماند. آنچه دیدن این فیلم را بر پرده سینما آزاردهنده می‌کند استفاده از قاب‌بندی‌هایی است که بیشتر برای فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی به کار گرفته می‌شود. شاید تنها بتوان یک پلان و جمله را از این فیلم به یاد سپرد و آن جمله‌ای است که مادر بزرگ به ندا می‌گوید: «دوست خوبی برایش هستی، چون کارهایش رو انجام می‌دی». این جمله به کودکان و حتی بزرگسالان یادآوری می‌کند که مهربان بودن ناآگاهانه می‌تواند منجر به سوءاستفاده از انسان شود.

نوجوانان شرکت کرده است. در این فیلم مریم سعادت، رامین ناصر نصیر، حسین رفیعی، فهیمه باروتچی و بهشاد مختاری در کنار شخصیت‌های عروسکی به ایفای نقش می‌پردازند.

در فیلم‌های سینمای کودک و نوجوان، شخصیت‌های عروسکی از مهم‌ترین ابزارهای سرگرمی برای این سنین به شمار می‌روند. در سینمای ایران نیز فیلم‌های مهم و موفق‌مانند «گلنار»، «کلاه قرمزی» و «پسرخاله» نشان‌دهنده همین موضوع مهم هستند.

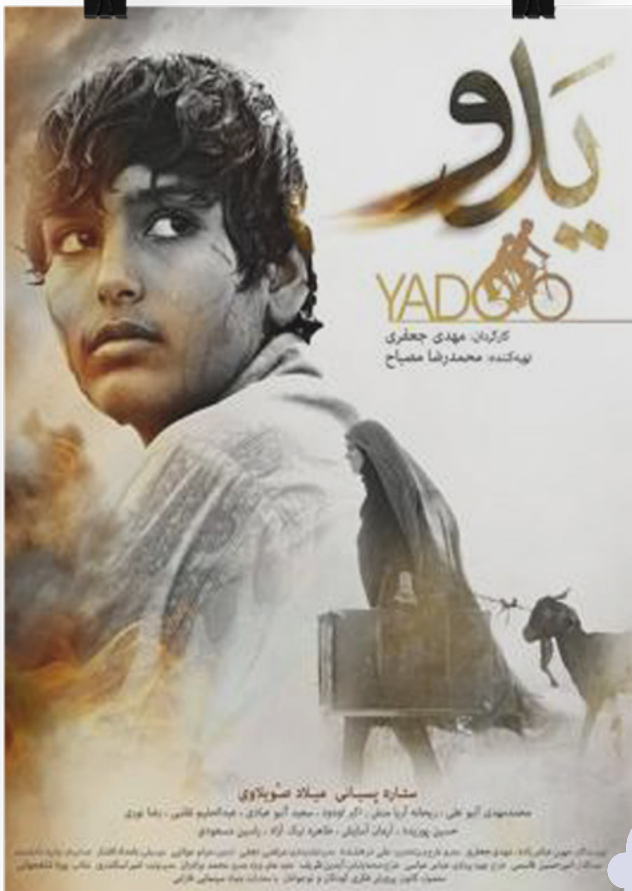
در دهه شصت و هفتاد، این‌گونه فیلم‌ها بسیار باکیفیت‌تر و ارزشمندتر بود. این آثار به اندازه‌ای کودکان را درگیر خود می‌کرد که همچنان پس از گذشت سال‌ها، خاطره آن‌ها در یاد کودکان دیروز یا جوانان و بزرگسالان امروز باقی مانده است.

موسیقی که یکی دیگر از مهم‌ترین ابزارهای سرگرمی در سینمای کودک و نوجوان به شمار می‌رود در فیلم‌های



آلا فوقی/منتقد

مجموعه داستانی «یکی بود، یکی نبود» به تهیه‌کنندگی پرویز امیری و کارگردانی مرضیه منصوری در گروه کودک شبکه قرآن و معارف سیما تولید و پخش شده و نسخه سینمایی آن در بخش مسابقه سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و



سرگردان میان سکون و حرکت

یادداشتی بر فیلم سینمایی «یدو»



آلا فوقی / منتقد

گنجه‌های پر از برنج و حبوبات، کپسول‌های گاز و... سعی دارد میان سکون و حرکت، جهان داستان خود را بنا کند؛ با این همه، در نیمه راه، ریتم و داستان فیلم غنای خود را به دلیل اشکالات فیلم‌نامه از دست می‌دهد و اینجاست که بامداد افشار با موسیقی مسحورکننده‌اش تا حدی به کمک فیلم می‌آید.

اگر کسانی در فیلم به دنبال قهرمان‌پروری و تأکید بر ارزش‌های معمول در فیلم‌های دفاع مقدس هستند از تماشای این فیلم راضی نخواهند بود؛ چرا که شخصیت اصلی یعنی «یدو» یک انسان معمولی با دغدغه‌های زمینی است.

فیلم روایتگر حصرآبادان و زندگی شخصیت‌های داستان در آن مقطع از تاریخ معاصر ایران است. مادری با سه فرزند خود در اوج جنگ حاضر به ترک خانه نیست و زادگاهش را به اندازه فرزندانش دوست دارد. در این میان پسر بزرگ‌تر که «یدو» نام دارد از تصمیم مادر عصبانی و مخالف اوست.

فیلم دارای ظرافت‌های خاص خودش در پرداخت شخصیت‌ها و به خصوص ترکیب‌بندی قاب‌هاست که با ایجاد موقعیت‌ها و نماهای ناب و خاص، مانند غذاهای رهاشده، شیشه نوشابه‌های نیمه‌خالی روی میز، ماشین رهاشده در پارکینگ، پیت بنزین دفن‌شده در حیاط،

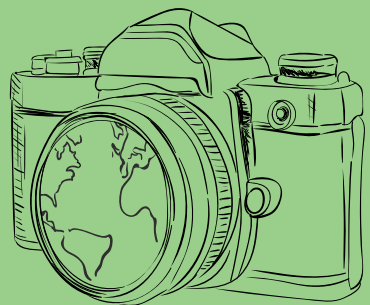
فیلم سینمایی «یدو» ساخته مهدی جعفری، کارگردان و مدیر فیلمبرداری باسابقه سینمای ایران است که فیلم‌های «۳۳ نفر» و «ایستگاه اتمسفر» را در کارنامه‌اش دارد. فیلم‌نامه یدو به همت مهین عباس‌زاده و مهدی جعفری و با اقتباس از داستان «زخم شیر» نوشته صمد طاهری نوشته شده است. فیلم‌برداری اثر نیز برعهده مرتضی نجفی بوده است. ستاره پسیانی، میلاد صویلاوی، محمد مهدی ابوعلی و ریحانه آریامنش از جمله بازیگران «یدو» به شمار می‌آیند و بامداد افشار نیز ساخت موسیقی فیلم را برعهده دارد.



خارج از گود



بازی کودکان در کشور
همسایه دستمایه
عکس‌های محمد محسن
(Muhammed Muheisen)
برنده دو دوره جایزه
پولیتزر، عکاس نشنال
جئوگرافیک و مؤسس و
مدیر سازمان غیرانتفاعی
everyday refugees است. به
مناسبت روزهای برگزاری
جشنواره و شادی کودکان
شهرمان، بر آن شدیم تا
تعدادی از عکس‌های این
هنرمند را در این شماره از
بولتن جشنواره کودکان و
نوجوانان ارائه کنیم. به
امید روزی که صلح میهمان
تمامی کودکان جهان باشد
و جشنواره کودک بتواند
میزبان فیلم‌های کشورهای
همسایه و میهمان برگزاری
جشنواره در این کشورها
باشد.



#نوستانری

- ۱- سندی درباره سینما سپه (۱۳۰۹)
- ۲- سربرگ مولن روژ
- ۳- سینما نقش جهان اصفهان
- ۴- مجوز تماشاخانه سپاهان

